گزارش «فرهیختگان» از پویش «اسرائیل او را کشت»

روایت‌هایی که نباید فراموش کنیم

فاطمه قدیری
خبرنگار گروه جامعه

سحرگاه ۲۳ خرداد، وقتی اولین موشک‌ها به خاک ایران اصابت کردند، روایت‌ها پیش از آوارها فروریختند. هیچ‌چیز روشن نبود؛ نه آمار دقیق شهدا و نه چهره‌هایی که پشت واژه «تلفات» پنهان شده بودند، در این خلأ اطلاع‌رسانی و آشفتگی روایی، گروهی تصمیم گرفتند نه با سلاح، بلکه با مستندسازی مقابل عادی‌سازی شهادت هم‌وطنانمان بایستند. پویش «KilledByIsrael» از دل شبکه‌های اجتماعی شکل گرفت؛ صفحه‌ای در سکوت، اما پر از فریاد. جایی برای بازگرداندن نام و چهره به انسان‌هایی که به‌سادگی داشتند به عدد تبدیل می‌شدند. زن، مرد، کودک، دانش‌آموز و کارگر هرکدام با قصه‌ای با عکسی که گاه نصفه‌ونیمه از گوشه‌ای از اینترنت پیدا شده بود، شناسایی می‌شدند. اما همین‌ها کافی بود تا یک تیم داوطلبانه، تصویرشان را بازسازی کند، برای‌شان بنویسد و نگذارد بی‌نام دفن شوند. از دل همین عکس‌های تار و اطلاعات ناقص، پروژه‌ای متولد شد که حالا یکی از دقیق‌ترین مستندنگاری‌های مردمی در سال‌های اخیر به شمار می‌رود. گرافیست‌ها تصویرها را ترمیم کردند، روزنامه‌نگاران روایت ساختند و داوطلبان ناشناس با وسواس منابع را راستی‌آزمایی کردند تا هر چهره و هر اسم تبدیل به خطی بر دیوار حافظه جمعی مردم شد. اما این فقط یک پروژه رسانه‌ای نیست؛ نوعی سوگواری جمعی و مقاومتی در برابر بی‌حسی عمومی است. در جهانی که جنایات اسرائیل تبدیل به یک اتفاق روزمره شده و آمار جای اسم را گرفته، پویش «اسرائیل او را کشت» تلاشی برای زنده نگه‌داشتن نام قربانیان این رژیم سفاک است. ساده، دقیق، بی‌سروصدا؛ اما درست همان جایی که باید باشد. مهدی جلیلی، روزنامه‌نگار و مدیر پویش «اسرائیل او را کشت»، یاسمن مجدزنگنه، مدیر گرافیک و هویت بصری و ماهی ایمانی، مسئول کپشن‌نویسی این مجموعه در گفت‌وگو با «فرهیختگان» به این موضوع پرداختند که چطور تصمیم گرفتند تا کاری کنند تا قربانیان بی‌صدای جنگ به فراموشی سپرده نشوند.

از انتشار اولین اسم تا تولد یک جریان

جلیلی، مدیر پویش «اسرائیل او را کشت» در خصوص چگونگی راه‌اندازی این پویش تصریح کرد: «من حدود ۲۰ سال است که روزنامه‌نگاری می‌کنم. در دانشگاه نیز عضو هیئت‌علمی هستم و چون کار پژوهشی انجام می‌دهم، نسبت به موضوع اسرائیل و نوع خاص پروپاگاندای آن بسیار حساس بودم، مخصوصاً در مورد ماجرای غزه که در آن انسان‌ها را از انسانیت تهی می‌کردند و به‌نوعی مستحق مرگ جلوه می‌دادند، طوری که دیگران هم نسبت به آن واکنشی نداشتند. ساعت ۲:۳۰ دقیقه بامداد ۲۳ خرداد، وقتی حمله صورت گرفت، من حدود یک ساعت در شوک بودم. بعد فکر کردم که حالا باید چه کار کرد؟ همان موقع تصمیم گرفتم شروع به نوشتن درباره شهدای غیرنظامی کنم.» او با اشاره به اولین نامی که منتشر کرد، گفت: «همان ساعت‌ها اولین کاری که کردم این بود که در رسانه خودم اولین خبر را منتشر کردم و سیناسلیمانی را به‌عنوان یک شهید غیرنظامی معرفی کردم و با هشتگ فرزندان ایران این کار را آغاز کردم. چند روزی در همان شبکه اقتصاد این روند را ادامه دادیم، بعد در توییتر این کار را سپردیم به یکی از دوستان قدیمی‌مان که او هم معرفی افراد را انجام می‌داد. خوشبختانه توییت‌ها و رشته توییت‌هایی که منتشر کرد، دیده شد.» جلیلی افزود: «با اضافه‌شدن بچه‌های دیگر، به این نتیجه رسیدیم که این کار باید هویت بصری داشته باشد تا در ذهن مردم ماندگارتر شود. به همین دلیل صفحه Killed By Israel را راه‌اندازی کردیم و جمع‌آوری اطلاعات را شروع کردیم.»

مسیر سخت جمع‌آوری اطلاعات

جلیلی با بیان اینکه بخش سخت کار این بود که هیچ اطلاعاتی وجود نداشت، تصریح کرد: «در ابتدا اطلاعات را از شبکه‌های اجتماعی جست‌وجو می‌کردیم، سپس از طریق اقوام و آشنایان قربانیان حملات، آن اطلاعات را دوباره بررسی و تأیید می‌کردیم. عکس‌ها را هم چندباره بررسی می‌کردیم. بعد از آن، کار طراحی گرافیکی آغاز می‌شد.» او گفت: «در تیم گرافیک ما چهار نفر فعالیت می‌کردند، در تیم پژوهشی هم به همین صورت. برخی اعضای تیم، دانشجویان گرافیک و بعضی نیز استادان این حوزه بودند. در تیم گردآوری اطلاعات، تعدادی از دانشجویان من در دانشگاه علامه به‌صورت دورکاری کمک کردند. بعد به‌دلیل افزایش حجم کار یک مکان مشخص برای استقرار تیم در نظر گرفتیم. در حال حاضر یک تیم حدوداً هشت‌نفره داریم که بخشی دورکار و بخشی مستقرند. آن‌ها روی گردآوری اطلاعات، عکس، طراحی، کپشن‌نویسی و سایر کارها فعالیت می‌کنند.»

روایت چهره‌هایی که باید ثبت شوند

جلیلی با اشاره به اینکه الان نزدیک به ۷۰۰ شهید غیرنظامی داریم، گفت: «تا این لحظه، توانسته‌ایم حدود ۲۴۰ نفر را شناسایی کنیم و عکس‌هایشان را به‌دست بیاوریم. ادامه این کار نیازمند زمان و تداوم است. خوشبختانه این تصاویر و اطلاعات را طوری منتشر کردیم که برای همه، چه در داخل و چه در خارج از کشور قابل استفاده باشد. هدف ما این بود که این تصاویر و اطلاعات به دست مردم برسد و بدانند که این‌ها فرزندان همین کشور هستند که شهید می‌شوند.»

بدون رنگ، برای همه

مدیر این پویش با بیان این موضوع که این گروه هیچ نگرش سیاسی‌ای نسبت به این کار نداشته است، گفت: «عمداً اسم مشخصی روی این کار نگذاشتیم یا آن را وابسته به جایی نکردیم تا همه بتوانند بدون حب و بغض از آن استفاده کنند. به همین دلیل شهرداری‌های مختلف، نمایندگی‌های وزارت امور خارجه، بسیاری از برنامه‌های تلویزیونی، فعالان توییتر خارج از کشور و روزنامه‌نگاران داخل و خارج از کشور از این محتوا استفاده می‌کنند.» او افزود: «تا جایی که توان داشته باشیم این کار را ادامه می‌دهیم تا بتوانیم همه این عزیزان را در آن صفحه ثبت کنیم. به این امید که پس از بارگذاری آخرین عکس از آخرین شهیدی که از دست داده‌ایم، دیگر هیچ‌وقت این صفحه به‌روزرسانی نشود و برای همیشه همین تعداد باقی بماند.»

اگر ما نگوییم، چه کسی خواهد گفت؟

جلیلی در پاسخ به این سؤال که چرا این گروه تنها اطلاعات افراد غیرنظامی را منتشر می‌کنند، گفت: «درباره نظامی‌ها، اطلاعات وجود دارد و نهادهای متولی آن‌ها این اطلاعات را منتشر می‌کنند. ضمن اینکه ما امکان تأیید صحت اطلاعات نظامی‌ها را نداریم. از نظر ما، آن‌ها نهادهایی دارند که برای‌شان محتوا تولید می‌کنند. ما می‌خواهیم نگذاریم فرزندان عادی این سرزمین فراموش شوند؛ کسانی مثل دانش‌آموزان، پرستاران، رانندگان، کارگران، زنان خانه‌دار، کودکان و دیگر شهروندان معمولی که در جریان این جنگ شهید شده‌اند. قصدمان این است که ثابت کنیم برخلاف آنچه اسرائیل ادعا می‌کند، سابقه‌ای طولانی در کشتن زنان، کودکان و افراد بی‌گناه و بی‌دفاع دارد.» او ادامه داد: «هدفمان از پوشش دادن شهدای غیرنظامی این است صدای آن‌هایی را که صدایی ندارند، به گوش دنیا برسانیم، چون رسانه‌ای در اختیارشان نیست. سپاه شهدای خودش را پوشش می‌دهد، ارتش، نیروهای انتظامی، همه این کار را می‌کنند اما آن پیرزن ۸۰ ساله‌ای که در نارمک شهید شده، چه کسی از او سخن می‌گوید؟ اگر ما نگوییم، چه کسی خواهد گفت؟» جلیلی گفت: «اسرائیل رژیمی جعلی است که نخست‌وزیرش از سوی نهادهای بین‌المللی به دلیل نسل‌کشی تحت پیگرد قانونی قرار گرفته است، یعنی اصلاً منطق و معیار مشخصی برای تشخیص تفاوت بین جنگ مشروع و جنگ جنایت‌کارانه ندارد، پس این ادعاکه «ما فقط نظامی‌ها را می‌زنیم» کاملاً پروپاگاندا است.»

کار در میان اشک و سکوت

جلیلی با اشاره به شرایط سخت دوران جنگ تحمیلی گفت: «من از سال ۱۳۸۳ مشغول روزنامه‌نگاری‌ام. در تمام این سال‌ها، روزنامه‌نگاری بحران انجام داده‌ام؛ از سیل و زلزله گرفته تا اعتراضات مردمی؛ اما هیچ‌کدامشان به اندازه این پویش، برای من سخت نبوده است.» وی تصریح کرد: «بچه‌های این سرزمین داشتند از دست می‌رفتند. روایت‌هایی که به‌دستمان می‌رسید، بسیار دردناک بود. هنوز پیکر بسیاری از بی‌گناهان قابل‌شناسایی نیست. خانه‌هایی که کاملاً نابود شده، خانواده‌هایی که از بین رفته‌اند و فقط یک عضو از آن‌ها باقی مانده است. روایت‌ها آن‌قدر تلخ بود که خیلی وقت‌ها، ما اینجا با بچه‌ها بدون اینکه با هم حرف بزنیم، فقط گریه می‌کردیم و هم‌زمان کار را هم پیش می‌بردیم.»

عهدی که هنوز پابرجاست

جلیلی گفت: «ما از دوطرف تحت‌فشار بودیم. از یک سو، برخی می‌گفتند چرا عکس‌های واقعی چهره‌ها را نمی‌گذارید؟ چرا فقط نقاشی کار می‌کنید؟ برایشان توضیح می‌دادیم به‌خاطر هویت بصری یکپارچه وگرنه عکس واقعی را هم استفاده می‌کنیم. از طرف دیگر فشارهایی هم از سوی برخی گروه‌های سایبری وارد می‌شد، مثلاً یک عده می‌گفتند چرا عکس‌ها بی‌حجاب است؟ چرا از واژه «کشته‌شده» استفاده کرده‌اید؟ این‌ها همه تلاشی برای به حاشیه بردن کار ما بود.» وی افزود: «اما ما با این بچه‌ها و با همه آن‌هایی که داوطلبانه بدون دریافت حتی یک ریال در این پروژه فعالیت می‌کنند، عهد کرده‌ایم که کار را تا پایان ادامه دهیم. تا امروز اطلاعات ۲۴۰ نفر را استخراج کرده‌ایم و امیدواریم در آینده با همکاری نهادهای رسمی، مثل بنیاد شهید یا وزارت بهداشت، بتوانیم لیستی رسمی تهیه کنیم که مشخص کند چه کسانی، در چه سنی، در این جنگ شهید شده‌اند. البته نهادهای ذی‌ربط باید در نظر داشته باشند که دارد دیر می‌شود.»

برای اینکه فقط یک عدد نباشند

ماهی ایمانی، نویسنده کپشن‌های کمپین «اسرائیل او را کشت» از آغاز هم‌صدایی‌اش با این پروژه داوطلبانه گفت: «بعد از اینکه تجاوز اسرائیل اتفاق افتاد، در شبکه ایکس دیدم یکی از کاربران از همان روز اول به جمع‌آوری اسامی شهدا پرداخته بود. ایشان یک رشته توییت طولانی منتشر کرده بودند که در آن اسامی شهدا را می‌آوردند. آن روزها محدودیت‌های زیادی داشتیم؛ اینترنت قطع بود، اطلاعات کامل منتشر نشده بود ولی هرچه در دسترس بود، ایشان منتشر می‌کرد.» وی افزود: «من بدون اینکه ایشان را بشناسم، توییت‌هایشان را دیدم و در حساب شخصی خودم که اکانت کوچکی با حدود ۵۰ یا ۶۰ دنبال‌کننده است، هرکدام از آن توییت‌ها را کوت می‌کردم و روی‌شان یک متن انگلیسی به حالت یک سوگواره کوچک می‌نوشتم.» ایمانی گفت: «از همین جا بود که دوستان کمپین Killed By Israel مرا پیدا کردند. آن‌ها گروه مستقلی بودند که ایده طراحی پوسترهایی از تصاویر شهدا را داشتند؛ اینکه صفحه‌ای باشد که در آن همه این اسامی، تا جایی که دسترسی داریم، همراه با اطلاعات مستند و موثق گردآوری شود.» وی تصریح کرد: «این گروه یکی از متون مرا دیده بودند و از من دعوت کردند که برای‌شان کپشن‌نویسی کنم. این برای من فرصتی بود که خیلی دوست داشتم؛ اینکه بتوانم به هر طریقی که ممکن است، کمک کنم تا اسم این هموطنان مظلوم و عزیزمان ماندگار شود؛ و این‌گونه بود که به تیم پیوستم.»

آیین سوگواری ایرانی

ایمانی در خصوص سبک نوشتاری‌ای که انتخاب کرده بود، گفت: «ایده اولیه من در نوشتن، برگرفته از یک سبک خاص در سوگواری‌های ایرانی بود. می‌دانید، بین ما ایرانی‌ها رسم است که وقتی عزیزی را از دست می‌دهیم، به‌جای اینکه درباره‌اش حرف بزنیم، با خودش حرف می‌زنیم. می‌گوییم تو این‌جوری بودی. تو این کار را می‌کردی. وای حالا بچه‌ات چی میشه؟ برای فلان چیز چه اتفاقی می‌افتد؟» وی افزود: «من از همین لحن برای نوشتن توییت‌های انگلیسی استفاده کردم. آن شهید را مستقیماً خطاب قرار می‌دادم. این کار برای خودم هم بسیار معنادار بود؛ هم به‌نوعی شیوه‌ای برای عزاداری بود، هم تلاشی برای ایجاد یک درک انسانی و نزدیک‌تر از آن افراد؛ اینکه این آدم‌ها فقط یک اسم نبودند، هرکدام داستانی داشتند، زندگی‌ای داشتند.»

اطلاعات موثق از دل داده‌های اندک

ایمانی اذعان داشت: «در روزهای اول اطلاعاتمان خیلی کم بود. ولی از یک جایی به بعد، رسانه‌ها و خبرنگاران شروع کردند به مصاحبه با خانواده‌ها و اطلاعات بیشتری در دسترس قرار گرفت. ما سعی می‌کردیم در حد همین اطلاعات متنی بنویسیم که شهیدرا مستقیماً خطاب قرار دهد تا به داستان پشت آن اسم برسیم. برای اینکه بگوییم شهدای ما فقط عدد نیستند. اسامی خالی نیستند. هرکدام یک زندگی بودند که دیگر وجود ندارد.»

مقابله با جعل واقعیت

ایمانی با اشاره به پروپاگاندای رژیم گفت: «در فضایی که هم از سوی رسانه‌های رسمی اسرائیل و هم از سوی لشکر اکانت‌های فیک‌شان تلاش می‌شد حتی چهره انسانی این افراد پاک شود، ما تلاش کردیم مقاومت کنیم. در شبکه‌های مجازی حتی افرادی که به‌وضوح غیرنظامی بودند، توسط ترول‌های مجازی اسرائیل به‌شکلی دروغین به ساختارهای نظامی نسبت داده می‌شدند تا کشتن آن‌ها را توجیه کنند و بگویند این‌ها حقشان بود که کشته شوند!» وی ادامه داد: «به نظر من حتی کشته‌شده‌های نظامی هم موجه نیستند، چون اساساً تجاوز اسرائیل به خاک ما غیرقانونی و جنایت‌کارانه بود؛ اما ببینید تا چه حد پیش رفته‌اند که حتی شهروندان عادی را هم به‌دروغ وارد داستان‌هایی می‌کنند تا به تجاوز و کشتارشان مشروعیت بدهند و ما با همان پتانسیل فردی و کوچک خودمان تلاش کردیم در برابر آن‌ها ایستادگی کنیم.» ایمانی گفت: «البته در طول این مدت تمام تلاش ما این بود چیزی که از صحت آن مطمئن نیستیم ننویسیم و داستان‌سرایی نکنیم؛ چراکه واقعاً نیازی به آن نیست و واقعیت اتفاقی که افتاده به‌قدر کافی تلخ و گویاست.»

هرشهید، یک چهره

یاسمن مجدزنگنه، مدیر گرافیک کمپین «اسرائیل او را کشت» با اشاره به اینکه قصدش از فعالیت در این کمپین این بود که مردم به‌جای عدد، تصاویر را به یاد بسپارند، گفت: «ما از روز اول این جریانات، واقعاً دلمان می‌خواست کاری مؤثر انجام دهیم تا افرادی که شهید می‌شوند، صرفاً به یک عدد تبدیل نشوند و بتوانیم یاد آن‌ها را زنده نگه داریم. نمی‌خواستیم به‌گونه‌ای باشد که فقط بگوییم مثلاً ۱۰۰ نفر شهید شدند.» زنگنه با اشاره به مجهول بودن هویت برخی از جان‌باختگان گفت: «بحث سر این است که بسیاری از این افراد ناشناس هستند و عکس‌هایی که از آن‌ها موجود است، گاهی نصفه‌نیمه و از منابع مختلف مانند اینترنت یا شبکه‌های اجتماعی به‌دست ما رسیده؛ از همین رو برای اینکه بتوانیم این عکس‌ها را ترمیم کنیم، ناچار هستیم از همان عکس‌های اصلی استفاده کنیم و تصویر ترمیم‌شده را به‌صورت گرافیکی ارائه دهیم.» مدیر گرافیک کمپین «اسرائیل او را کشت» با اشاره به هجمه‌های وارد شده نسبت به نحوه انتشار تصاویر گفت: «البته از یک جا به بعد با توجه به بازخوردهای منفی تصمیم گرفتیم خود عکس اصلی را هم در کنار طراحی نهایی قرار دهیم. به‌همین دلیل ممکن است مشاهده کرده باشید که از یک تاریخ مشخص به بعد، عکس‌های خام نیز کنار طراحی‌ها قرار گرفته‌اند.» زنگنه با تأکید بر لزوم یکدستی در کارها به دلیل حجم بالای پروژه گفت: «این کار نیاز به تمرکز زیادی داشت، به‌خصوص در حوزه گرافیک؛ چراکه لازم بود همه تصاویر به‌صورت یکدست و حرفه‌ای آماده شوند و خدایی نکرده، هیچ‌کس از قلم نیفتد. البته تا الان تعداد شهدا نزدیک به هزار نفر است و ما فعلاً حدود ۲۰۰ عکس را آماده کرده‌ایم.»

نمایش چهره قربانیان به جهانیان

زنگنه در خصوص بازخوردهای دریافت‌شده تصریح کرد: «حقیقتش این است که تمام بازخوردها مثبت بوده. من به‌جز یک مورد که احساس می‌کردم با کسی طرفم که اطلاعات سیاسی بسیار کمی دارد، بازخورد منفی خاصی ندیدم.» وی ادامه داد: «خیلی‌ها استقبال کردند و در شبکه‌های اجتماعی به ما پیام دادند و تشکر کردند، حتی برخی از افراد، عکس‌هایی از اعضای خانواده‌شان را برای ما ارسال کردند. البته برای صحت‌سنجی این عکس‌ها، تحریریه خود ما بررسی‌های لازم را انجام داده تا مطمئن شویم و بعد عکس را منتشر کنیم.» وی با اشاره به دوزبانه بودن فعالیت این کمپین، از بازخورد بین‌المللی نیز گفت: «خیلی‌ها پیش فرضشان این بود که فقط افراد نظامی شهید شده‌اند، اما وقتی با واقعیت روبه‌رو شدند و متوجه شدند بچه‌های کوچک و افراد بی‌گناه در این میان جان باخته‌اند، واقعاً آگاه شدند و این برایشان شوکه‌کننده بود. به نظرم این پروژه کمک کرد که جامعه جهانی تا حدی متوجه شود که چگونه این جوانان و کودکان بی‌گناه شهید شده‌اند.» مدیر گرافیک کمپین «اسرائیل او را کشت» با تأکید بر اینکه ادامه این کار نیازمند همراهی دیگران است، گفت: «امیدواریم بتوانیم از دیگران هم دعوت کنیم که اگر می‌توانند در این پویش با ما همراه شوند تا افراد بیشتری را شناسایی کنیم.»

پنجشنبه ۲۶ تیر ۱۴۰۴
شماره ۴۴۶۱
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

نقش یادمان‌ها در روایت جنایت‌های رژیم صهیونیستی

بازنمایی حقیقت در فضای شهری

علی بازگشا
خبرنگار

ثبت و نگهداری خاطره‌های جمعی به‌ویژه یادکرد از جان‌فشانی‌ها و ایثار انسان‌ها در برابر تهدیدهای حیات‌بخش از دیرباز در فرهنگ‌ها و ملت‌های مختلف جهان جایگاهی رفیع داشته است. یادمان‌ها و بناهای یادبود نه صرفاً یادآور نمادین یک رویداد یا شخصیت هستند، بلکه به‌عنوان زبان جمعی و محملی برای مسئول‌سازی جامعه در برابر تاریخ و وجدان جمعی عمل می‌کنند. آن‌ها پل‌های پیوندی میان گذشته، حال و آینده‌اند که با ثبت و بازخوانی رخدادهای مهم از فراموشی جلوگیری کرده و زمینه‌های گفت‌وگو و فهم مشترک را فراهم می‌آورند.

در بسیاری از کشورها به‌ویژه در کشورهای دارای تجربه‌های تلخ جنگی مانند روسیه و آلمان، یادمان‌های باشکوه و در عین حال تأثیرگذاری بنا شده‌اند که فراتر از یک اثر هنری یا نماد تاریخی به مراکز فرهنگی و آموزشی زنده بدل شده‌اند؛ فضاهایی که در آن‌ها مردم با گذشته مواجه می‌شوند، تأمل می‌کنند و نسبت به درس‌های تاریخ تعهد می‌یابند. این یادمان‌ها به‌دلیل جایگاهشان در متن فضای شهری به‌محلی برای تعامل میان روایت‌های رسمی، مردمی و حتی روایت‌های متضاد تبدیل می‌شوند و فرصتی فراهم می‌کنند تا شهروندان در معرض تجربیات تاریخی به‌گونه‌ای زنده و ملموس قرار گیرند.

در ایران نیز این سنت درخشان به‌ویژه پس از دفاع مقدس به‌شکل گسترده‌ای مورد توجه قرار گرفته و در شهرهای مختلف یادمان‌هایی با احترام و تکریم شهدای عزیز طراحی و ساخته شده است. با این حال تحولات جدید سیاسی و امنیتی و ظهور تهدیدات و جنایت‌هایی که فراتر از جبهه‌های سنتی جنگ قرار دارند، ضرورت توجه به روایت‌های نوین و متنوع از مظلومیت‌های مردم عادی را بیش از پیش برجسته ساخته است.

در این بستر یادمان «بچه‌های آسمان» در میدان هفتم تیر تهران نه تنها یک یادبود صرف نیست، بلکه پاسخی ملموس و مدرن به این نیازهای جدید است؛ یادمانی که به مثابه نقطه تلاقی تاریخ، زندگی روزمره و جریان‌های فرهنگی و اجتماعی عمل می‌کند و روایتگر درد و مقاومت مردمی است که در قلب شهر خود، بی‌پناه و بی‌هیچ حفاظی در برابر موشک‌باران‌های رژیم صهیونیستی ایستادند و جان سپردند.

ساخت یادبود برای شهدا و قربانیان جنگ در همه جوامع به‌عنوان اقدامی ارزشمند و ضروری شناخته می‌شود. همان‌گونه که در روسیه و آلمان یادمان‌های بزرگ و تأثیرگذاری برای قربانیان جنگ‌های جهانی اول و دوم وجود دارد، در ایران نیز یادمان‌هایی برای شهدای دفاع مقدس ساخته شده است. اما اینک باید گامی فراتر برداشت و یادمان‌هایی بنا کرد که نشان‌دهنده شهدایی باشند که نه در میدان‌های جنگ کلاسیک بلکه در بطن زندگی روزمره، در منازل، خیابان‌ها و پارک‌ها قربانی خشونت و تروریسم می‌شوند؛ شهدایی که مظلومانه بر اثر حملات موشکی رژیم صهیونیستی جان باخته‌اند.

از همین رو اهمیت یادمان «بچه‌های آسمان» دوچندان می‌شود؛ چرا که این یادمان برخلاف بسیاری از یادبودها، تمرکزی ویژه بر مردم عادی دارد؛ کسانی که نه عضوی از نهادهای نظامی و امنیتی بوده‌اند و نه درگیر درگیری‌های مستقیم اما جانشان در معرض حملات مستقیم قرار گرفته است. «بچه‌های آسمان» بازتابی است از روایت‌هایی که رسانه‌های رسمی غالباً به آن‌ها کمتر پرداخته‌اند و به همین دلیل این یادمان در نقش یک پل ارتباطی میان تاریخ مستند و روایت‌های مردمی می‌درخشد.

تهران به‌عنوان پایتخت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشور، در کنار موزه‌هایی چون موزه صلح و موزه دفاع مقدس به فضایی باز، عمومی و در دسترس نیاز داشت تا روایت‌های زنده و مردمی از این وقایع را به شکل ملموس به نمایش بگذارد. انتخاب میدان هفتم تیر به‌عنوان مکان برپایی این یادمان با توجه به عبور روزانه هزاران نفر و موقعیت شاخص آن فرصت بی‌نظیری برای مواجهه مستقیم عموم مردم با این روایت‌ها فراهم کرده است؛ جایی که هر رهگذری می‌تواند در دل جریان زندگی شهری، به تأمل و یادآوری فراخوانده شود.

یادمان «بچه‌های آسمان» ترکیبی هوشمندانه و هنرمندانه از روایت‌های تصویری، نمادین و تعاملی است که مشابه آن در برخی کشورها مشاهده شده، اما وجه تمایز اصلی آن تمرکز خاص بر کودکان و خانواده‌هایی است که در حملات رژیم صهیونیستی به طرز وحشیانه‌ای قربانی شده‌اند. بخش‌هایی از این یادمان به تصویر نیروهای امدادی، آمبولانس‌ها و خرابه‌های خانه‌هایی اختصاص یافته که هنوز زخم‌هایشان به طور کامل التیام نیافته است؛ نمادهایی قدرتمند از مصائب انسانی و پایمردی در برابر خشونت.

فراتر از ساختار فیزیکی یادمان، برنامه‌هایی در دست اجرا است که با بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته تصویری و تعاملی، فضایی جذاب و چندوجهی خلق می‌کند تا مخاطبان گسترده‌ای از کودکان و دانش‌آموزان گرفته تا رسانه‌های بین‌المللی و دیپلمات‌ها بتوانند با عمق بیشتری به درک روایت «بچه‌های آسمان» نائل آیند. این اقدام در نوع خود نمونه‌ای ممتاز از ترکیب فرهنگ، فناوری و آموزش در خدمت حفظ حافظه تاریخی و ارتقای آگاهی عمومی است.

این یادمان همچون کتابی زنده و پویا طراحی شده که هر تصویر، هر نماد و هر جزئی از آن حامل پیام‌های مقاومت، ایثار و پایداری است. پلی میان گذشته، حال و آینده شهری که مردمانش با واقعیت‌هایی سخت دست و پنجه نرم می‌کنند و نهایتاً به نمادی الهام‌بخش برای نسل‌های آینده تبدیل خواهد شد. «بچه‌های آسمان» بیش از یک یادبود است؛ نگینی در دل پایتخت است که حافظه تاریخی را زنده نگه می‌دارد و فرهنگ مقاومت و ایثار را به نسل‌های فردا منتقل می‌کند.